

سرمقاله

فاطمه میر حسن پور واحدی

مستمری که یک نشریه‌ی تخصصی می‌تواند با مخاطبان خود داشته باشد را نداشت چرا که مسیر فرسایشی اخذ مجوز کتاب متغیر، پر پیچ و خم و فاصله‌انداز بود.

بر این اندیشه‌ایم که با نشر مستمر و به هنگام، رابطه‌ی لازم با اهالی فرهنگ و هنر را حفظ و بستر لازم برای ارتباط در عرصه‌های مختلف فرهنگ و هنر ایجاد نماییم و این امر بزرگ با یاری شما بزرگواران مقدور خواهد بود. این فصلنامه رویه‌ی پژوهشی و تحقیقی را سرلوحه‌ی مطالب خود دارد چرا که معتقد است؛ ملتی که نتواند عرصه‌ی ارائه‌ی نظر برای متخصصانش را مهیا کند، از تولید تفکر جدی عاجز خواهد بود و در همه‌ی زمینه‌ها مصرف کننده باقی خواهد ماند. نخبگان را هم تقدیم تقویت سیستمی خواهد نمود که او را همواره عاری از خلاقیت و تولید فرهنگی می‌خواهند. خلاقیت جدی، خلاقیت ویتزینی نیست و تأثیر طولانی مدتش را به مرور زمان نشان می‌دهد. در نتیجه این نشریه تدقیقات اهالی فرهنگ را به دیده‌ی منت منتشر خواهد نمود. کارگروههایی برای ادبیات، هنرهای تجسمی، تئاتر، سینما و موسیقی تشکیل خواهد داد و خواهد کوشید که به دور از غوغاسالاری و عوام‌گرایی، تریبونی برای تفکر جدی و مستقل انسانی باشد و صد البته که سنگینی این مُهم بر محمل زبان مادری بیشتر خواهد بود. خبر اخذ مجوز در میانه‌های فصل به دستمان رسید و تا مقدمات کار را بچینیم، سال نو از راه می‌رسید. سراسیمه راه افتادیم چراکه رویش با جوانها را نمی‌خواستیم از دست بدهیم. «راه افتادیم و ترسمان ریخت» آغاز کردیم چرا که می‌دانستیم خراش شاخه‌ها بر گونه‌هایمان را خواهید بخشید و دلگرممان خواهید نمود که تابستان پیش رو، گرمتر از هرچه هست، نزد شما آفتاب‌سیرتان برگردیم.

بوتا اگرچه قرار است ادامه‌ی آن مسیری باشد که در این چند سال در انتشارات بوتا و موسسه‌ی فرهنگی هنری تحکیم انجام شده است، اما از چند بُعد بر موارد اشاره شده ارجحیت دارد. اول آنکه فکر نشر چنین نشریه‌ای سابقه‌ی قدیمتری نسبت به تاسیس موسسه نویسندگی و انتشارات دارد. پس از آنکه مسیرهای پر پیچ و خم قانونی منجر به اخذ مجوز ماهنامه‌ی «ساوچی» (ماهنامه‌ی ادبی‌ای که پیش از این منتشر می‌کردیم) شد ولی تقاضاهای مکرر نتوانست مسیر را به سوی زبان مادری بگشاید، بر آن شدیم که در نشر و جلسات ادبی تأثرگذار باشیم و صد البته این راه را نیز هموار نپیمودیم و اگر غبارزدایی و قدرت تمییز برخی مسئولین اداره‌ی ارشاد نبود، طوفان تنگ‌نظری‌ها جان‌پناهی برای شاعران، نویسندگان، هنرمندان و محققین بی ادعا باقی نمی‌گذاشت. ممنونیم و همین محدود امکاناتمان را قدر می‌دانیم. چراکه در این چند سال موسسه‌ی تحکیم بنایی در ادبیات داستانی شهر اورمیه و حتی شهرهای مجاور پی نهاد که حتی متعارضین جلسات نیز ادبیات رایج در آن را به ارث بردند و متأثر از آن بودند.

دوم اینکه وسعت کاری که در یک فصلنامه می‌توان انجام داد با کار انتشارات و موسسه نویسندگی فرق می‌کند؛ یعنی اگرچه جدی‌ترین کار ما در موسسه‌ی تحکیم صورت پذیرفته و به نوعی آن جلسات نبض تپنده‌ی ادبیات داستانی شهر اورمیه حداقل در حوزه‌ی ادبیات داستانی ترکی بود ولی به جهت تأثیرگذاری محدودیت زمانی و مکانی داشت و نیز انتشارات بوتا اگرچه در ارائه‌ی نثر استاندارد ترکی با ارائه‌ی رمانها و داستانهای ادبیات مدرن به این زبان موفق بود و رابطه‌ی خوبی با نسل جدیدی از کتابخوانهای جوان برقرار کرد اما آن رابطه‌ی